

تبیین تأثیر الگوهای اسکان مجدد بر توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان

امین محمدی استاد کلاهی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه گنبدکاووس
سیدحسن مطیعی لنگرودی - استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
محمدرضا رضوانی - استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران
مجتبی قدیری معصوم - استاد دانشکده جغرافیا و عضو قطب علمی برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۲۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

تحقیق حاضر درصدد است آثار طرح‌های اسکان مجدد را در روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان ارزیابی کند و میزان هماهنگی یا ناهماهنگی این طرح‌ها را با اهداف توسعه پایدار روستایی برسنجد. جامعه آماری تحقیق حاضر، ساکنان شهر جدید پیشکمر (تجمع ۱۱ روستا) و ساکنان سه روستای جابه‌جاشده به‌صورت محدود هستند. برای تعیین تعداد پرسشنامه‌های مورد نیاز تحقیق از فرمول کوکران استفاده شد و ۲۷۹ خانوار برای تکمیل پرسشنامه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. برای مقایسه دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمع، از آزمون t نمونه‌های مستقل استفاده شد. مقایسه دو الگوی جابه‌جایی محدود و جابه‌جایی توأم با تجمع روستاها در منطقه مطالعه‌شده نشان داد که هریک از الگوهای پیشنهادی دارای مزایا و معایبی هستند. بررسی‌ها نشان‌دهنده عملکرد ضعیف دو الگوی بررسی‌شده در بعد اقتصادی توسعه پایدار و عملکرد مثبت در ابعاد اجتماعی و کالبدی هستند. با توجه به رویکرد توسعه پایدار که در آن رسیدن به پایداری منوط به پایداری در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است، به نظر می‌رسد که جوامع مطالعه‌شده در پژوهش حاضر فاقد پایداری کافی هستند. دستیابی به پایداری نیازمند بهبود شاخص‌های اقتصادی از طریق توانمندسازی جوامع محلی و بهبود شاخص‌های اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: استان گلستان، اسکان مجدد، تجمع، توسعه پایدار روستایی، سیل.

مقدمه

سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل و طوفان به‌عنوان پدیده‌های تکرارپذیر در طول حیات کره زمین همواره وجود داشته‌اند و همیشه خطری جدی برای توسعه - به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه - به‌شمار می‌روند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۱۵). ایران ششمین کشور مستعد بلایای طبیعی در جهان است. بخش عمده‌ای از بلایای طبیعی در کشور ایران، در مناطق روستایی رخ می‌دهد که به‌دلیل ضعف امکانات در این نواحی، آسیب‌های بسیاری را برای ساکنان روستاها ایجاد می‌کند (Mohammadi et al., 2010, 54). تکرار حوادث غیرمترقبه طبیعی و اثرگذاری زیاد آنها بر کالبد ناتوان سکونتگاه‌های انسانی مناطق روستایی از یک‌سو، و ضرورت استفاده صحیح و بهینه از منابع و سرمایه‌های محدود، مستلزم شیوه‌های نوینی از مداخله کالبدی است، که ضمن ارائه الگوهای مناسب بازسازی، بستر لازم را برای دستیابی به توسعه پایدار فراهم آورند و از ایجاد بحران‌های عملکردی جلوگیری کنند (توکلی، ۱۳۸۰، ۲۲). اسکان مجدد بازتابی از اجرای به‌گزینی استقرار مجدد جمعیت روستایی به‌منظور برخورداری از بهبود فعالیت‌های تولیدی و بهسازی استانداردهای زندگی است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۶۰). بررسی پدیده اسکان مجدد در کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد که اقدام مذکور عمدتاً به یک یا چند دلیل از قبیل رویارویی با حوادث طبیعی، اجرای برنامه‌های توسعه روستایی و دلایل سیاسی - امنیتی انجام می‌شود (Agba et al., 2010, 51). معمولاً چهار الگوی درجاسازی، الگوی توسعه پیوسته، الگوی جابه‌جایی (انتقال) و الگوی تجمیع و ادغام برای بازسازی روستاهای آسیب‌دیده یا تخریب‌شده در اثر بروز بلایای طبیعی در پیش گرفته می‌شوند (رحمتی و نظریان، ۱۳۸۹، ۵۵). از شیوه‌های گفته‌شده، شیوه تجمیع و ادغام که دارای مزیت‌های «صرفه‌جویی اقتصادی» در عرضه امکانات و خدمات است، نظر دست‌اندرکاران عمران و توسعه روستایی را بیشتر به خود جلب کرده است (افتخاری و بدری، ۱۳۸۲، ۲۵؛ فتحی و مطلق، ۱۳۸۹، ۳). امروزه عمدتاً کشورهای درحال توسعه به این شیوه‌ها (به‌ویژه شیوه ادغام و تجمیع) روی آورده‌اند. بینش

حاکم بر اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام (صرفه‌جویی اقتصادی) باعث شده است که به پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، و فضایی-کالبدی آن کمتر توجه شود. این بی‌توجهی سبب شده است که به‌کارگیری و اجرای طرح‌های تجمیع و ادغام گاه با پیامدهای سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و کالبدی همراه شود و حتی در برخی موارد اجرای آنها را متوقف سازد (Oruonye, 2011, 238).

بارش باران‌های شدید در مرداد سال ۱۳۸۴ در نواحی شرقی استان گلستان منجر به وقوع دو سیل ویرانگر شد، که از خسارت‌بارترین سیل‌های رخ داده در کشور بودند (Sharifi et al., 2012, 533). به‌منظور جلوگیری از تکرار رویداد سیل در مناطق سیل‌زده، اقدام به انتقال سه روستا به‌صورت محدود و جابه‌جایی توأم با تجمیع ۱۱ روستا به منطقه پیشکمر گردید.

سنجش و ارزیابی پایداری از موضوعاتی است که صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان به آن پرداخته‌اند و کمتر از دو دهه پس از ایده توسعه پایدار در نشست‌های سیاسی و علمی، و روش‌ها و شاخص‌ها - با توجه به زمینه‌های تخصصی- مطرح و استفاده شدند. با توجه به افزایش وقوع بلایای طبیعی در جهان و به‌دنبال آن گسترش فرایند اسکان مجدد، ارزیابی پایداری الگوهای مختلف اسکان مجدد مورد توجه برنامه‌ریزان و متخصصان این رشته قرار گرفته و مطالعات پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه انجام شده است و این روند همچنان ادامه دارد (منتظریون، ۱۳۹۰، ۲۸). از جمله مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه می‌توان به مطالعات بدری و همکاران (۲۰۰۶) و دیکمن (۲۰۰۸) اشاره کرد.

نتایج بررسی‌های بدری و همکاران (۲۰۰۶) از ۱۹۴ خانوار اسکان داده‌شده در مناطق زلزله‌زده منجیل نشان دادند که خانواده‌های جابه‌جاشده و تجمیع‌شده در محل جدید با چالش‌های متعدد اجتماعی، اقتصادی مواجه شدند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به مسئله اشتغال، درآمد، توانمندسازی زنان و مسائل مربوط به شیوه زندگی اشاره کرد.

دیکمن (۲۰۰۸) در پژوهشی با نام «توسعه پایدار در مناطق روستایی آسیب‌دیده از زلزله سال ۱۹۹۵ در ۱۲ روستای منطقه دینار در ترکیه»، ضمن ارزیابی آثار فیزیکی، اجتماعی،

فرهنگی و اقتصادی بازسازی مناطق زلزله‌زده نتیجه گرفت که پروژه‌های بازسازی پس از سوانح فرصت‌های مناسبی را برای تسهیل توسعه فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی نواحی آسیب‌دیده فراهم می‌کنند. وی پروژه‌های بازسازی را از نظر پایداری عوامل فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی در طول فرایند تصمیم‌گیری، دارای جنبه‌های منفی می‌داند.

تحقیق حاضر ضمن تبیین اسکان مجدد در توسعه پایدار روستایی پس از گذشت حدود ۷ سال از وقوع سیلاب- درصدد است تأثیرات طرح‌های اسکان را در منطقه مورد مطالعه ارزیابی کند و میزان هماهنگی یا ناهماهنگی این‌گونه طرح‌ها را با اهداف توسعه پایدار روستایی برسنجد. همچنین تحقیق حاضر به دنبال بررسی تأثیر هریک از الگوهای اسکان مجدد بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی توسعه پایدار روستایی در منطقه مورد مطالعه است. پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از:

۱. اسکان مجدد چه تأثیری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در توسعه پایدار روستایی داشته است؟
۲. آیا تفاوت معناداری بین الگوهای اسکان مجدد در زمینه دستیابی به توسعه پایدار روستایی در ناحیه مورد مطالعه وجود دارد؟

روش‌شناسی تحقیق

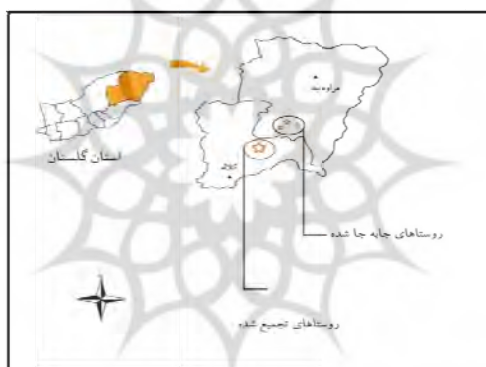
پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و به دلیل ماهیت و موضوع آن به روش تحلیلی تدوین شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز، از بررسی‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و کار میدانی استفاده شد. به منظور تعیین معیارهای پایداری، از تکنیک دلفی استفاده شد. در گام نخست، مجموعه‌ای از نماگرهای مرتبط با پایداری سکونتگاه‌های روستایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی که کاربرد بیشتری داشتند، با مرور نوشتار و مطالعات مربوط به موضوع و تحلیل محتوای آنها انتخاب شدند؛ سپس با استفاده از روش پرسشنامه‌ای، برای

انتخاب نماگرهای مرتبط با موضوع مورد مطالعه در اختیار خبرگان و پژوهشگران قرار گرفتند. در گام بعد، اطلاعات گردآوری شده در محیط نرم‌افزار SPSS و Excel تحلیل شدند و در نهایت یک بسته نماگر انسجام‌یافته مرتبط با سنجش و ارزیابی پایداری سکونتگاه‌های روستایی با ارزش‌های معین استخراج شد. کل جامعه پرسش‌شونده در این بررسی ۳۰ نفرند که مشتمل بر خبرگان محلی و پژوهشگران گروه‌های جغرافیا، رشته‌های علوم اجتماعی، معماری، بازاریابی و سوانح و محیط‌زیست هستند. ۹۸ نماگر نیز برای نظرسنجی و امتیازدهی در پرسشنامه گنجانده شده بود. در این پژوهش به‌منظور سنجش و ارزیابی پایداری، تعداد ۱۸ مؤلفه و ۶۷ نماگر (از بین ۹۸ نماگر)، مشتمل بر ۲۱ نماگر کالبدی، ۳۱ نماگر اجتماعی-فرهنگی، و ۱۵ نماگر اقتصادی به‌روش نظرسنجی از نخبگان علمی انتخاب و گزینش شد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را ساکنان شهر جدید پیشکمر (تجمیع ۱۱ روستا) با ۱۰۴۳ خانوار و ساکنان سه روستای جابه‌جاشده به‌صورت محدود با ۳۴۹ خانوار تشکیل می‌دهند. به‌منظور تعیین تعداد پرسشنامه لازم در تحقیق حاضر (حجم نمونه) از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران، سطح اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۰/۰۵، تعداد ۲۷۹ خانوار برای تکمیل پرسشنامه به‌صورت تصادفی انتخاب شد. روایی پرسشنامه‌ها با نظر نشست متخصصان و صاحب‌نظران تأیید گردید. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از ۳۰ پرسشنامه، پیش‌آزمون انجام شد و مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مجموع ابعاد، ۰/۸۰۸ به‌دست آمد. در پرسشنامه‌ها از سوالات بسته با پاسخ‌های در طیف لیکرت پنج‌مقیاسی (از خیلی بهتر شده (۵) تا خیلی بدتر شده (۱)) استفاده شد. در گام دیگر پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و رفع نواقص احتمالی، اطلاعات لازم از پرسشنامه‌ها استخراج شد و برای رسیدن به اهداف تحقیق، بررسی و تحلیل آماری انجام گرفت. بدین منظور از روش آماری مقایسه میانگین‌ها و طرح پانل گذشته‌نگر مبتنی بر نگرش‌سنجی از جامعه نمونه در دو دوره قبل و بعد از اجرای طرح استفاده شد.

منطقه مورد مطالعه

محدوده مطالعه شده از نظر سیاسی-اداری، منطق بر بخش‌هایی از شهرستان‌های کلانه و مراوه‌تپه در شرق استان گلستان است. مراکز جمعیتی در تحقیق حاضر شهر پیشکمر (تجمع ۱۱ روستای قزل‌طاق، آق‌طوقه، چاتال، خوجه‌لر، کروک، پاشایی، قپان‌علیا، قپان‌سفلی، سیدلر، شیخ‌لر و دوجی) و سه روستای قولاق‌کسن، بق‌قجه‌بالا و بق‌قجه‌پایین است. بیشترین فاصله سایت پیشکمر از محل روستاهای قبلی ۲۵ کیلومتر و فاصله سایت‌های بق‌قجه‌پایین، بق‌قجه‌بالا و قولاق‌کسن از محل روستاهای قبلی به ترتیب یک، یک و دو کیلومتر است. در شکل ۱ موقعیت منطقه مطالعه شده در کشور و در استان نشان داده شده است.



شکل ۱. موقعیت قرارگیری روستاهای سیل‌زده مشمول طرح اسکان مجدد

منبع: نگارندگان

یافته‌های توصیفی تحقیق

نتایج حاصل از توصیف ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۴۶ درصد پاسخ‌گویان بین ۲۴ تا ۴۲ سال سن دارند، از نظر جنسیت ۷۸ درصد پاسخ‌گویان مرد و ۲۲ درصد زن هستند. بیش از ۶۸ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم هستند که از این میان ۱۲ درصد بی‌سوادند. حدود ۳۲ درصد از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم یا بالاتر از دیپلم

هستند. از نظر اشتغال ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان شاغل‌اند که شغل کشاورزی با ۶۷ درصد بیشترین میزان اشتغال را به خود اختصاص داده است. فقط ۳۵ درصد پاسخ‌دهندگان درآمد ماهانه بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان دارند. بیش از ۸۲ درصد پاسخ‌گویان مالک واحد مسکونی هستند.

یافته‌های تحلیلی تحقیق

ارزیابی شاخص‌های اقتصادی

الف) تولید

در بخش تولید محصولات کشاورزی، که از طریق گویه‌های استفاده از فناوری مناسب و جدید تولید، ایجاد فاصله بین محل سکونت و کار، تغییر در میزان سرکشی و نظارت به مزرعه، بازده تولید محصولات کشاورزی و دامی، کاهش تولید محصولات زراعی، کاهش تولید محصولات دامی، حذف و هدررفتن منابع قدیمی تولید، تجاری‌شدن فعالیت‌های اقتصادی، و تنوع تولید محصولات کشاورزی ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگوی مطالعه‌شده در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد مشاهده گردید. میانگین حاصل از نمونه‌های مشاهده‌شده، برای هریک از الگوهای جابه‌جایی و تجمیع روستایی، به ترتیب ۲/۹۰ و ۲/۴۹ است، که از میانگین نظری (میانگین کدهای اختصاص داده‌شده به گزینه‌های هر سؤال، یعنی ۳) کمتر است. از این‌رو می‌توان پذیرفت که اسکان مجدد بهبودی در وضعیت تولید در نواحی جدید ایجاد نکرده است. ساکنان شهر جدید پیشکمر، جابه‌جایی و تجمیع روستاها را عامل مهمی در کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی می‌دانند. از دلایل کاهش تولید محصولات کشاورزی می‌توان به افزایش فاصله بین زمین‌های کشاورزی و محل سکونت و در نتیجه کاهش سرکشی به مزارع و زمین‌های کشاورزی اشاره کرد. فاصله زیاد بین محل سکونت و مزارع، افزایش هزینه‌های تولید را نیز به دنبال داشته است. میزان کم تسهیلات دریافتی و افزایش هزینه‌های جاری زندگی، پیش‌فروش محصولات کشاورزی و اجاره طولانی مدت زمین‌های کشاورزی را به دنبال داشته است.

با توجه به تجمیع روستاها با یکدیگر و نبود امکان نگهداری دامها در محیط شهری و در کنار واحدهای مسکونی، میزان تولید محصولات دامی کاهش شدیدی یافته است. برخی از ساکنان - به ویژه دامداران - با اجتناب از جابه‌جایی، سکونت در محل روستای قدیمی و در معرض خطر سیلاب را ترجیح داده‌اند. اهالی سه روستای جابه‌جاشده نیز به کاهش میزان تولیدات دامی اشاره کردند، اما معتقدند در صورت جابه‌جایی و تجمیع در سایت پیشکمر، کشاورزی و دامداری روستا به‌طور کلی نابود می‌شد. برخی از اهالی روستا افزایش تولیدات کشاورزی را بی‌ارتباط با جابه‌جایی روستاها و ناشی از تغییر نوع الگوی کشت و شرایط جوی طی سالیان اخیر می‌دانستند. در روستای قولاق کسن، دامداری در مناطق جدید به صورت محدود مشاهده می‌شود، که به دلیل کمبود نظارت مسئولان بهداشت روستایی و مساحت بیشتر عرصه خانه‌های روستایی در این روستاست.

ب) اشتغال

در بخش اشتغال که از طریق شاخص‌های گسترش مشاغل خدماتی، ثبات شغلی، میزان اشتغال، میزان اشتغال زنان، تعداد شاغلان خانوار به کل جمعیت خانوار ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگوی مطالعه‌شده در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد مشاهده گردید. میانگین مشاهده‌شده برای هریک از الگوهای جابه‌جایی و تجمیع روستایی، به ترتیب ۲/۲۵ و ۲/۹۵ است، که از میانگین نظری کمتر است. از این رو می‌توان پذیرفت که فراوانی گزینه‌های خیلی کم و کم به‌طور معناداری بیشتر باشد.

از موضوعات مورد نظر مصاحبه‌شوندگان، مشکلات اشتغال جوانان (اعم از جابه‌جایی محدود و تجمیع) است. این مؤلفه بین سایر مؤلفه‌های مطالعه‌شده کمترین میزان رضایت را بین ساکنان هر دو منطقه بررسی شده داشته است. به‌طور کلی جابه‌جایی روستاها تأثیر مثبتی در افزایش اشتغال نداشته است، هرچند ایجاد مشاغل خدماتی در شهر پیشکمر تا حدودی به ایجاد اشتغال کمک کرده است، اما با افزایش تعداد خانوارهای هسته‌ای، نیاز سرپرستان خانوار

برای داشتن استقلال مالی بیشتر شده و با توجه به فقدان زمینه‌های اشتغال در محیط پیرامون و نبود تخصص کافی، جوانان به‌ناچار به مشاغل کارگری در شهرهای بزرگ به‌خصوص تهران و سمنان روی آورده‌اند. بررسی‌ها نشان دادند که اشتغال در مشاغل کارگری شهرهای بزرگ فاقد امنیت شغلی مناسب است. فاصله زیاد محل سکونت و محل اشتغال، مشکلات فراوانی را برای خانواده‌های کارگران ایجاد کرده است.

ج) درآمد و سرمایه

در بخش درآمد و سرمایه که از طریق گویه‌های رضایت از درآمد، افزایش ارزش املاک روستایی، افزایش سنددارشدن خانه‌ها، بدهی به بانک‌ها (مقروض‌شدن به سیستم بانکی) و گسترش ربا ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگوی مطالعه‌شده در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد مشاهده گردید. میانگین این قلمرو در روستاهای جابه‌جاشده به‌صورت محدود و در شهر پیشکمر به ترتیب ۲/۷۴ و ۲/۹۶ است که از میانگین نظری کمتر است. روستاییان در هر دو منطقه بررسی شده معتقد به افزایش میزان سرمایه‌های ساکنان (از قبیل ماشین و محصولات بادوام) پس از جابه‌جایی هستند اما این موضوع را با میزان بدهی به بانک‌ها و مؤسسات مالی مرتبط می‌دانند. از جمله مسائل مهم مردم در مناطق بررسی‌شده، ناتوانی در بازپرداخت وام دریافتی از بانک‌ها درخصوص بازسازی مسکن است (میزان بازپرداخت وام سالانه ۵۰۰ هزار تومان است). بیش از ۱۴۲ نفر از اهالی شهر جدید پیشکمر که پیش از وقوع سیلاب سال ۱۳۸۴ وام بازسازی دریافت کرده بودند، مجبور به بازپرداخت دو فقره وام هستند که مشکلات بسیاری را برای آنان به‌دنبال داشته است. تعداد افرادی که در سه روستای جابه‌جاشده، مجبور به بازپرداخت دو فقره وام هستند بیش از ۲۷ نفر است.

د) تنوع اقتصادی

در بخش تنوع اقتصادی که از طریق گویه‌های متنوع‌شدن فعالیت‌های اقتصادی، و رواج اقتصاد مصرفی به‌جای اقتصاد تولیدی ارزیابی شد، اختلاف معناداری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد

بین دو الگوی مطالعه‌شده، مشاهده گردید. اهالی ساکن در تمامی مناطق بررسی‌شده، معتقد به تغییر سبک و الگوی زندگی و رواج اقتصاد مصرفی به جای اقتصاد مولد هستند. روستاهای تجمیع‌شده قبل از سیل به‌عنوان جوامع مولد مطرح بودند، تولید برای مصرف آنها رواج داشت و نقش پول و معاملات پولی در آنها بسیار اندک بود، درحالی‌که پس از سیل و جابه‌جایی عمدتاً به جوامعی مصرف‌گرا تبدیل شدند. افزایش اشتغال در بخش خدمات - به‌خصوص در شهر جدید پیشکمر- متنوع‌شدن فعالیت‌های اقتصادی را به‌دنبال داشته است. میانگین مشاهده‌شده این مؤلفه در دو الگوی جابه‌جایی و تجمیع به ترتیب ۳/۰۲ و ۳/۳۷ است، که از میانگین نظری بالاتر است. از این رو می‌توان پذیرفت که فراوانی گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد به‌طور معناداری بیشتر است. در جدول ۱، تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های بعد اقتصادی به تفکیک الگوهای مطالعه‌شده آمده است.

جدول ۱. تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های بعد اقتصادی

مؤلفه‌ها	منطقه مطالعاتی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					آماره t	سطح معنی‌داری (درصد)
تولید	سه روستا	۸۸	۲/۹۰۲۵	۰/۴۷۶۸۷	۶/۱۶۴	۰/۰۰۰
	پیشکمر	۱۹۱	۲/۴۹۶۱	۰/۵۸۰۱۵		
اشتغال	سه روستا	۸۸	۲/۲۵۵۷	۰/۵۸۹۰۹	-۸/۲۲۳	۰/۰۰۰
	پیشکمر	۱۹۱	۲/۹۴۷۶	۰/۷۷۴۰۴		
درآمد	سه روستا	۸۸	۲/۷۳۹۸	۰/۴۶۰۲۱	-۳/۶۴۵	۰/۰۰۰
	پیشکمر	۱۹۱	۲/۹۶۴۵	۰/۴۸۶۶۱		
تنوع اقتصادی	سه روستا	۸۸	۳/۰۲۳۰	۰/۷۴۶۷۳	-۳/۲۷۶	۰/۰۰۱
	پیشکمر	۱۹۱	۳/۳۷۱۷	۰/۹۶۹۵۶		

ارزیابی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی

پیامدهای اجتماعی حاصل از جابه‌جایی و تجمع فیزیکی روستاها، با توجه به زمینه‌های قبلی روابط اجتماعی این جوامع با یکدیگر در قالب مصادیق عینی زیر نمود می‌یابد.

الف) همبستگی اجتماعی

در حوزه همبستگی اجتماعی که با استفاده از گویه‌های افزایش تضادهای قومی، پذیرش اجتماعی قومیت‌های مختلف، و کاهش همدلی و یکرنگی میان مردم ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمع مشاهده نشد. در تمامی سایت‌های جدید، حریم‌های طایفه‌ای و فامیلی بین ساکنان و همسایگی‌های قبل از سیل تا حد امکان حفظ شده است. میانگین مشاهده‌ای هریک الگوهای جابه‌جایی و تجمع به ترتیب ۲/۷۰ و ۲/۶۸ است، که از میانگین نظری تحقیق کمتر است. نکته مهم در طرح تجمع روستاها در سایت پیشکمر، ادغام‌نشدن روستاها و در کنارهم قرارگرفتن آنها به قید قرعه بوده است. محل قرارگیری هریک از روستاها از طریق قرعه‌کشی با حضور ریش‌سفیدان، دهیاران و شوراهای روستا و مسئولان شهرستان و استان تعیین شد. همه روستاهای جابه‌جاشده به پیشکمر، ترکمن‌نشین و اهالی آن همگی از طایفه گولان هستند و از نظر فرهنگ، عادات، سطح طبقاتی و کسب‌وکار وضعیت یکسانی دارند.

ب) مشارکت اجتماعی

در حوزه مشارکت اجتماعی که با استفاده از گویه‌های عضویت در نهادهای محلی، و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مختلف امور روستا ارزیابی شد، اختلاف معناداری در سطح اطمینان ۰/۰۵ درصد بین الگوها مشاهده شد. میانگین امتیاز مشارکت اجتماعی در دو الگوی جابه‌جایی و تجمع، به ترتیب ۳/۲۸ و ۲/۸۹ است، که بهبود وضعیت مشارکت را در سه روستای جابه‌جاشده نشان می‌دهد. مصاحبه‌های عمیق صورت‌گرفته با اهالی نشان داد که ساکنان از مشارکت برای دریافت امتیاز از نهادهای دولتی بهره می‌برند.

ج) روابط اجتماعی

در حوزه روابط اجتماعی، که با استفاده از شاخص‌های کاهش روابط همسایگی، کاهش روابط اجتماعی و خویشاوندی، و افزایش خانوارهای هسته‌ای ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگو مشاهده نشد. میانگین این مؤلفه در روستاهای جابه‌جا شده و شهر پیشکمر به ترتیب ۲/۹۳ و ۲/۸۲ است، که از میانگین نظری پایین‌تر است. مهم‌ترین تجلی روابط اجتماعی در سطح جوامع روستایی، در روابط چهره‌به‌چهره مشاهده می‌شود. این ارتباط که ناشی از اندک بودن جمعیت است باعث تقویت روابط غیرشخصی و غیررسمی می‌شود. ادغام چند روستا با یکدیگر پیش از هر چیز باعث افزایش جمعیت و گسترش دایره کنش متقابل اجتماعی می‌شود و سپس سبب تغییر در ابعاد کنش متقابل، تغییر در فاصله اجتماعی، و تغییر در شکل روابط در جوامع جدید می‌شود.

د) بهداشت

در بخش بهداشت که با استفاده از شاخص‌های دسترسی به خدمات بهداشتی، بهبود تغذیه و افزایش مصرف کالری روزانه، جمع‌آوری و دفع صحیح زباله ارزیابی شد، اختلاف معنادار بین دو الگوی مطالعه شده مشاهده می‌شود. وجود مرکز بهداشت در شهر پیشکمر، خدمات‌رسانی را در شهر پیشکمر بهبود داده است. اما بررسی‌ها نشان‌دهنده کاهش میزان نفوذ به‌ورزان روستایی در سایت پیشکمر است. اهالی روستاهای مختلف در سایت تجمع، از همکاری با به‌ورزان روستایی خودداری می‌ورزند. میانگین مؤلفه بهداشت در روستاهای جابه‌جا شده و پیشکمر به ترتیب ۳/۴۵ و ۳/۶۸ است، که به‌طور معناداری بیشتر از میانگین نظری است.

ه) حس تعلق به مکان

در حوزه حس تعلق به مکان که با گویه‌های علاقه به زندگی در روستا، مهاجرت جوانان به شهر (ماندگار نبودن جمعیت)، امید به آینده روستا و محل سکونت جدید ارزیابی شد، اختلاف

معناداری بین دو الگوی به‌کار برده‌شده مشاهده نشد. امیدواری ساکنان تمامی سایت‌های مورد مطالعه به آینده روستای خود افزایش یافته‌است.

و) رفاه اجتماعی

میانگین قلمرو رفاه اجتماعی، که از ترکیب گویه‌های دسترسی به امکانات رفاهی، دسترسی به امکانات تفریحی، دسترسی به امکانات ورزشی (سالن‌های ورزشی)، کاهش احساس محرومیت، و کاهش وابستگی به شهرهای دیگر برای تأمین خدمات در سه روستای جابه‌جاشده و شهر پیشکمر به ترتیب ۲/۹۳ و ۳/۳۴ به‌دست آمد، نشان از بهبود وضعیت رفاهی ساکنان هر دو الگو دارد.

ز) اعتماد اجتماعی

در حوزه اعتماد اجتماعی که با گویه‌های اعتماد شخصی (صداقت، وفای به عهد و مانند اینها)، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به نهادها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی) و ضمانت مالی یکدیگر (مثلاً برای دریافت وام)، ارزیابی شد، اختلاف معناداری در سطح ۰/۰۵ درصد مشاهده گردید. میانگین اعتماد اجتماعی در سه روستا با میانگین ۳/۰۲ بیشتر از میانگین نظری و در پیشکمر با میانگین ۲/۸۱ کمتر از میانگین نظری است.

ح) آموزش

میانگین بخش آموزش، که با گویه‌های افزایش میزان باسوادی، و افزایش دسترسی به تسهیلات آموزشی ارزیابی شد، در دو الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع به ترتیب ۳/۵۲ و ۴/۰۲ است. میانگین مذکور به مراتب از میانگین ظاهری بیشتر است و بهبود در شاخص‌های قلمرو آموزش را بعد از اسکان مجدد نشان می‌دهد. بررسی‌ها حکایت از آن دارند که امکانات آموزشی در شهر پیشکمر پس از تجمیع روستاها افزایش زیادی یافته‌است. وجود سه مدرسه ابتدایی، سه مدرسه راهنمایی و دو دبیرستان پسرانه و یک دبیرستان دخترانه، امکان ادامه تحصیل دختران و پسران را تا پایان دوره دبیرستان فراهم کرده‌است. این در حالی است که نبود دبیرستان در

روستاهای جابه‌جاشده مشکلات بسیاری را در زمینه ادامه تحصیل دانش‌آموزان - به‌خصوص دختران- ایجاد کرده است. دو الگوی بررسی‌شده، در حدود اطمینان ۰/۰۵ درصد با یکدیگر اختلاف معنادار دارند.

ط) امنیت

میانگین حوزه امنیت، که با استفاده از گویه‌های احساس از بین‌رفتن امنیت اجتماعی، افزایش میزان ناامنی، و از بین‌رفتن حریم‌های شخصی ارزیابی شد، در روستاهای جابه‌جاشده و شهر پیشکمر به ترتیب ۳/۴۶ و ۳/۰۹ به دست آمد. کوچک‌بودن جامعه روستایی، محیطی را ایجاد می‌کند که برخوردهای چهره‌به‌چهره و مراودات فامیلی بسیار گسترده‌ای در آن جریان دارد و نوعی نظارت کامل اجتماعی حکم‌فرماست که اعمال و رفتار تک‌تک اهالی را منطبق با ارزش‌های مرسوم در جامعه ارزیابی می‌کند. با تجمیع روستاها، این اعمال نظارت کم می‌شود و به‌مرور زمان از بین می‌رود. رعایت حریم‌های طایفه‌ای و فامیلی بین ساکنان و همسایگی‌های قبل از سیل و ادغام‌نشدن روستاها در محل جدید تا حدود زیادی مانع از کم‌رنگ‌شدن نظارت همگانی در شهر جدید پیشکمر شده است.

ی) سازمانی

میانگین مؤلفه سازمانی، که با استفاده از گویه‌های ایجاد نهادهای محلی جدید، و تقویت نهادهای محلی ارزیابی شد، بیانگر وجود اختلاف معنادار بین دو الگوی مورد مطالعه است. میانگین امتیاز مؤلفه سازمانی در شهر پیشکمر ۳/۱۹ است، که بهبود این مؤلفه را پس از تجمیع روستاها نشان می‌دهد. کانون نخبگان پیشکمر و کانون فرهنگی گولان از نهادهای محلی جدید در شهر پیشکمر هستند. گسترش ساخت‌وساز در سطح روستاها و شهر جدید و نیاز به هماهنگی با دهیاری برای ساخت‌وساز مسکن، باعث تقویت جایگاه دهیاری شده است. میانگین مؤلفه سازمانی در سه روستای جابه‌جاشده ۲/۹۲ است که نشان از فراوانی بیشتر پاسخ‌های خیلی کم و کم در این نواحی دارد. در جدول ۲، تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های اجتماعی الگوهای جابه‌جایی و تجمیع نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های اجتماعی

مؤلفه‌ها	منطقه مطالعاتی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	آزمون t	
					اماره t	سطح معنی‌داری (درصد)
همبستگی اجتماعی	سه روستا	۸۸	۲/۶۹۹۸	۰/۵۶۲۱۶	۰/۲۲۷	۰/۸۲۱
	پیشگمر	۱۹۱	۲/۶۸۱۹	۰/۶۴۴۴۵		
مشارکت اجتماعی	سه روستا	۸۸	۴/۴۸۴۱	۰/۶۴۶۸۱	۴/۲۱۴	۰/۰۰۰
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۸۹۴۷	۰/۸۶۰۰۸		
روابط اجتماعی	سه روستا	۸۸	۲/۹۴۵۶	۰/۹۹۵۰۲	۰/۹۵۳	۰/۳۴۲
	پیشگمر	۱۹۱	۲/۸۴۴۹	۰/۷۲۳۱۸		
یهداشت	سه روستا	۸۸	۴/۴۴۷۰	۰/۶۱۴۰۹	-۲/۶۵۱	۰/۰۰۸
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۶۸۹۴	۰/۷۴۹۵۱		
حسن تعلق به مکان	سه روستا	۸۸	۴/۱۵۶۳	۰/۴۷۶۹۴	۰/۲۹۰	۰/۷۷۲
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۱۳۵۷	۰/۶۸۳۴۱		
رقاه اجتماعی	سه روستا	۸۸	۲/۹۴۵۸	۰/۴۶۴۸۹	-۵/۵۵۹	۰/۰۰۰
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۴۴۵۵	۰/۷۵۱۰۴		
اعتماد اجتماعی	سه روستا	۸۸	۴/۰۱۸۹	۰/۷۲۰۷۲	۳/۱۱۳	۰/۰۳۶
	پیشگمر	۱۹۱	۲/۸۱۱۴	۰/۷۸۰۰۱		
آموزش	سه روستا	۸۸	۴/۵۱۷۰	۰/۷۷۸۴۸	-۴/۷۶۱	۰/۰۰۰
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۰۴۴۶	۰/۸۲۶۴۹		
امنیت	سه روستا	۸۸	۴/۴۶۰۲	۱/۰۰۶۶۸	۳/۹۲۴	۰/۰۰۴
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۰۹۷۷	۰/۹۴۱۱۴		
سازمانی	سه روستا	۸۸	۴/۹۴۰۵	۰/۵۵۱۳۱	-۳/۲۵۹	۰/۰۰۱
	پیشگمر	۱۹۱	۴/۱۹۰۵	۰/۸۰۲۷۳		

ارزیابی شاخص‌های کالبدی

الف) آب و خاک

قلمرو آب و خاک در تحقیق حاضر با استفاده از گویه‌های کمیت منابع آب، کیفیت منابع آب، و تغییر کاربری اراضی مرتعی به کاربری مسکونی و زراعی ارزیابی شد. میانگین این شاخص در الگوهای جابه‌جایی و تجمیع به ترتیب ۲/۱۵ و ۳/۲۳ به دست آمد، که اختلاف معنادار این شاخص را در دو منطقه نشان می‌دهد. میانگین مؤلفه آب و خاک در سه روستای جابه‌جاشده به صورت معناداری کمتر از میانگین نظری است. یکی از مشکلات روستاهای جابه‌جاشده، نبود آب آشامیدنی به صورت لوله‌کشی است. برای رفع این مشکل، آب با تانکر به این روستاها منتقل

می‌شود. سهمیه هر خانوار، ۱۰۰۰ لیتر در هفته و بدون در نظر گرفتن بعد خانوار است. این موضوع مشکلات عدیده‌ای را برای ساکنان روستاهای بق قجه بالا، بق قجه پایین و قولاق کسن ایجاد کرده است.

ب) مسکن

در بخش مسکن، که با استفاده از شاخص‌های رعایت معیارهای فنی در ساخت مسکن، تناسب خانه‌های جدید با نیازهای روستایی، جذابیت و زیبایی خانه‌ها و برخورداری از امکانات در واحدهای مسکونی (حمام، توالت و موارد دیگر) ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگو مشاهده نشد. میانگین بخش مسکن در الگوی جابه‌جایی محدود ۳/۸۱ و در الگوی تجمیع ۳/۷۷ به‌دست آمد. اهالی هر دو روستا معتقد به افزایش رعایت معیارهای فنی در ساخت مسکن هستند. در گویه تناسب خانه‌های جدید با نیازهای روستایی، به‌دلیل وجود مساحت پایین عرصه در خانه‌ها و لزوم رعایت الزامات بهداشتی، امکان نگهداری دام در خانه‌های جدید وجود ندارد. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که خانه‌های جدید در مقایسه با خانه‌های قبلی روستاییان از جنبه‌های گوناگون تغییر کرده‌اند و با ادامه فعالیت‌های قبلی روستاییان چندان سازگار نیستند. نداشتن انبار محصول در اغلب واحدهای مسکونی، نبود امکان نگهداری دام در محل جدید، و مساحت کم واحدهای مسکونی جدید از مشکلات واحدهای مسکونی جدید به‌شمار می‌آید.

ج) محیط طبیعی

در بخش محیط طبیعی که با استفاده از گویه‌های افزایش ایمنی در برابر بلایای طبیعی، افزایش استفاده از مصالح سازگار با محیط طبیعی در ساخت مسکن، از بین رفتن چشم‌انداز طبیعی (تخریب چشم‌انداز طبیعی) و افزایش فشار بر منابع طبیعی ارزیابی شد، اختلاف معنادار بین دو الگو در حدود اطمینان ۰/۰۵ مشاهده می‌شود. میانگین مشاهده‌ای قلمرو محیط طبیعی در دو

الگوی جابه‌جایی محدود و تجمیع به ترتیب ۳/۴۹ و ۳/۶۳ به دست آمد، که بیشتر از میانگین نظری است. میانگین مذکور نشان‌دهنده بهبود وضعیت این قلمرو در مقایسه با دوره پیش از اسکان مجدد است.

د) اطلاعات و ارتباطات

در بخش اطلاعات و ارتباطات، که با استفاده از گویه‌های دسترسی به خدمات مخابراتی، وجود شبکه راه‌های ارتباطی مناسب، میزان ارتباط و مراجعه روستاییان به شهرها (تغییر ارتباط شهر و روستا) ارزیابی شد، اختلاف معناداری بین دو الگو در حدود اطمینان ۰/۰۵ مشاهده گردید. میانگین این مؤلفه در الگوی جابه‌جایی ۳/۵۰ و در الگوی تجمیع ۳/۸۷ به دست آمد، که از میانگین نظری بیشتر است. از این رو می‌توان پذیرفت که فراوانی گزینه‌های خیلی زیاد و زیاد به‌طور معناداری بیشتر است. در جدول ۳، تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های بعد کالبدی به تفکیک الگوهای مطالعه شده آمده است.

جدول ۳. تأثیر اسکان مجدد بر مؤلفه‌های بعد کالبدی

ازمون ۴		انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه	منطقه مطالعاتی	مؤلفه‌ها
سطح معنی‌داری (درصد)	اماره ۴					
۰/۰۰۰	-۱۱/۸۵۱	۰/۶۸۱۵۵	۲/۱۴۷۷	۸۸	سه روستا	منابع آب و خاک
		۰/۷۱۸۸۳	۳/۴۲۷۷	۱۹۱	پیشگمر	
۰/۵۲۳	۰/۶۳۹	۰/۶۴۴۸۷	۳/۸۱۱۹	۸۸	سه روستا	مسکن
		۰/۵۱۴۴۷	۳/۷۶۶۰	۱۹۱	پیشگمر	
۰/۰۲۵	-۲/۲۷۱	۰/۵۱۶۸۳	۳/۴۸۸۶	۸۸	سه روستا	محیط طبیعی
		۰/۳۷۱۵۷	۳/۶۲۷۸	۱۹۱	پیشگمر	
۰/۰۰۰	-۳/۹۶۴	۰/۷۴۵۳۷	۳/۵۰۴۸	۸۸	سه روستا	اطلاعات و ارتباطات
		۰/۷۰۵۷۷	۳/۸۶۷۴	۱۹۱	پیشگمر	

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه دو الگوی جابه‌جایی محدود و جابه‌جایی توأم با تجمیع روستاها در منطقه مطالعه‌شده نشان داد که هر یک از الگوهای مورد مطالعه مزایا و معایبی دارند. در بعد اقتصادی که با استفاده از چهار شاخص تولید، اشتغال، درآمد، سرمایه و تنوع اقتصادی ارزیابی صورت گرفت، میانگین مشاهده‌ای الگوهای جابه‌جایی و تجمیع به ترتیب ۲/۷۸ و ۲/۸۱ به دست آمد. میانگین مذکور نشان می‌دهد که سیاست اسکان مجدد از منظر اقتصادی در مناطق مطالعه‌شده عملکرد ضعیفی داشته است. نتایج این تحقیق در بخش اقتصادی با نتایج ایزدی خرامه (۱۳۸۰)، دیکمن (۲۰۰۸)، منتظریون (۱۳۹۰) و پهلوان‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) انطباق دارد.

در خصوص نقش اسکان مجدد در شاخص‌های اجتماعی- فرهنگی که از بررسی ۱۰ قلمرو به دست آمد، می‌توان گفت که به صورت کلی جابه‌جایی روستاها عملکرد موفق‌تری داشته است. میانگین بعد اجتماعی در الگوی جابه‌جایی محدود ۳/۱۶ و در الگوی جابه‌جایی توأم با تجمیع ۳/۲۰ است. همگنی دینی و نژادی اهالی روستاهای مشمول طرح اسکان مجدد، توجه به ادغام‌نشدن روستاها در محل جدید، حفظ نظام همسایگی، وجود مشارکت اجتماعی بین اهالی محل‌های جدید به منظور دریافت امتیازات بیشتر دولتی، و ایجاد و تقویت نهادهای محلی جدید از دلایل موفقیت طرح اسکان مجدد در نواحی سیل‌زده به‌شمار می‌آیند. نتایج تحقیق حاضر در بعد اجتماعی- فرهنگی با نتایج شیرین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) هم‌سوئی ندارد. آثار و پیامدهای تمامی طرح‌های مذکور در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی، کم‌وبیش و به اندازه‌های متفاوت منفی است.

در بعد کالبدی که با بررسی قلمروهای محیط طبیعی، مسکن، اطلاعات و ارتباطات و منابع آب و خاک ارزیابی شد، اسکان مجدد باعث بهبود شاخص‌های زندگی در منطقه مورد مطالعه شده است. افزایش ایمنی سکونتگاه‌ها با دورشدن از مسیر رودخانه، افزایش نظارت بر ساخت‌وساز و بهبود استحکام، و بهبود دسترسی به اطلاعات و نقاط جمعیتی از مزایای طرح اسکان مجدد در سایت‌های مورد بررسی است. متوسط امتیاز بعد کالبدی در دو الگوی

جابه‌جایی و تجمیع به ترتیب ۳/۳۳ و ۳/۵۰ به‌دست آمد، که نشان از بهبود کلی وضعیت کالبدی منطقه دارد. نتایج تحقیق در این زمینه با نتایج عسگری و همکاران (۲۰۰۸) و دیکمن (۲۰۰۸) هم‌سوئی دارد.

با توجه به رویکرد توسعه پایدار که در آن حصول پایداری منوط به پایداری در هر سه بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است، و بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق که بیانگر ناپایداری شاخص‌های اقتصادی در هر دو الگوی بررسی شده است، به‌نظر می‌رسد که جوامع مطالعه‌شده فاقد پایداری کافی هستند. دستیابی به پایداری نیازمند بهبود شاخص‌های اقتصادی از طریق توانمندسازی جوامع محلی و بهبود شاخص‌های اقتصادی است. به‌منظور پیشگیری از احتمال بروز اختلال و نابسامانی در منابع عمده معیشت روستاهای مشمول جابه‌جایی و ادغام، لازم است منابع معیشتی مناسب به‌عنوان جایگزین در نظر گرفته شوند و به نزدیکی محل جدید و محصولات، ارتباط با مراکز اقتصادی و بازار کار و خدمات توجه شود و فضای زیست متناسب و سازگار با الگوهای زیستی باشد.

منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین و سیدعلی بدری، ۱۳۸۲، ارزیابی پیامدهای اقتصادی ادغام روستاها پس از حادثه زلزله از دیدگاه توسعه پایدار: مورد مطالعه روستاهای بالکور و جمال‌آباد از شهرستان طارم علیا، فصلنامه مدرس، دوره ۷، شماره ۲.
- ایزدی خرامه، حسن، ۱۳۸۰، نقش تبدیل روستاها به شهر در توسعه روستایی؛ مورد: استان فارس، رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پورطاهری، مهدی؛ مجید پریشان؛ عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و علی عسگری، ۱۳۹۰، سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های مبنایی مدیریت ریسک زلزله (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان قزوین)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره یکم، صص. ۱۱۵-۱۵۰.
- پهلوان‌زاده، حمیده؛ محمدرضا رضوانی و امین محمدی استادکلاپه، ۱۳۹۱، ارزیابی کیفیت زندگی در روستاهای ادغام‌شده پس از سوانح طبیعی (مورد: مجموعه ادغامی پیشکمر - استان گلستان)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷.

- توکلی، ج.، ۱۳۸۰، مروری بر نظریات و تجربیات موجود در زمینه تجمیع روستایی (قسمت اول)، مجله جهاد، سال بیستویکم، شماره ۲۴۵-۲۴۴.
- رحمتی، محمدمهدی، ۱۳۸۵، دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی ادغام روستاها در منطقه زلزله‌زده رودبار و منجیل، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۲.
- فتحی، سروش و معصومه مطلق، ۱۳۸۹، رویکرد نظری بر توسعه پایدار روستایی مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم.
- منتظریون، مریم، ۱۳۹۰، بررسی فرایند جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی در برنامه بازسازی پس از سیل ۱۳۸۴ شرق استان گلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد بازسازی پس از سانحه، دانشگاه شهید بهشتی.

- Agba, A.M. Ogaboh, J.J., Akpanudoedehe and E.M Ushie, 2010, **Socio-Economic and Cultural Impacts of Resettlement on Bakassi People of Cross River State, Nigeria**, Studies in Sociology of Science Vol. 1, No. 2, PP. 50-62.
- Asgary, A., A. Badri, M. Rafieian and A. Hajinejad, 2008, **Lost and Used Post-Disaster Development Opportunities in Bam Earthquake and the Role of Stakeholders**, World Academy of Science, Engineering and Technology.
- Badri, S.A., A. Asgary, A.R. Eftekhari and Jason Levy, 2006, **Post-disaster Resettlement, Development and Change: A case study of the 1390 Manjil earthquake in Iran**, Disasters, 30 (4), PP. 451-468.
- Dikmen, Nese, 2008, **Sustainable Development in Disaster Affected Rural Areas: The Case of Dinar Villages**, World Academy of Science, Engineering and Technology.
- Mohammadi Ostadkelayeh, A., H. Pahlavanzadeh and M. Mohammadi, 2010, **Statistical Analysis of Natural Disaster in Iran**, Geomed 2010, Turkey.
- Oruonye, E.D. 2011, **The Socio-economic Impact of the Lake Chad Resettlement Scheme, Nigeria**, African Journal of Environmental Science and Technology, Vol. 5(3), PP. 238-245.
- Sharifi, F., Samadi, S.Z., and Wilson C., 2012, **Causes and Consequences of Recent Floods in the Golestan Catchments and Caspian Sea Regions of Iran**, Natural Hazards, Volume 61, Issue 2, PP. 533-550.